

## قوه قضائیه رژیم «ولایت فقیه» نهادی ورای قانون

در هفته های گذشته، با شروع محاکمات فرمایشی نیروهای ملی- مذهبی، و ادامه تهدیدات قوه قضائیه و سران آن، باردیگر نقش این بخش از رژیم «ولایت فقیه» در حفظ پایه های حکومت استبدادی را بیش از پیش در معرض قضاوت افکار عمومی قرار دارد. با توجه به رویدادهای هفته های اخیر روشن است که قوه قضائیه، به عنوان یکی از مهمترین مراکز زیر نظارت ارتجاع، نقش ویژه و اساسی بی را در گسترش فضای اختناق و خفقان و ایجاد یأس و ناامیدی در جنبش مردمی بر عهده دارد.

از مسایل قابل توجه در این زمینه، خبر تشکیل «کمیته ویژه نظارت بر حسن اجرای تصمیمات شورای عالی امنیت و سیاست های مقام رهبری» در قوه قضائیه است. تشکیل این کمیته ویژه، در شرایط حساس کنونی و تبلیغات مرتجعان بر ضرورت سرکوب هرگونه صدای مخالفی به بهانه «تأمین

ادامه در صفحه ۴



شماره ۶۲۲، دوره هشتم  
سال هجدهم، ۲۹ آبان ماه ۱۳۸۰

**به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران - بر روی صفحات اینترنت حزب منتشر شد!**

- برخی مقالات فلسفی از رفیق فقید احسان طبری
- مجموعه سرودهای انقلابی

## سقوط حکومت ضد مردمی طالبان در افغانستان

### وضعیت نگران کننده زندانیان سیاسی

همزمان با محاکمه فرمایشی نیروهای ملی- مذهبی به اتهامات واهی، خبرهای نگران کننده از وضعیت دیگر زندانیان سیاسی، در هفته گذشته، انتشار پیدا کرد که نگرانی های جدی بی را باید به همراه داشته باشد. علی اکبر موسوی خوئینی ها، بعد از بازدید از زندان های تهران، اطلاعاتی را در زمینه زندان ها و زندانیان سیاسی منتشر ساخت. وی گفت: «در بازدیدهایی که از بندهای اجتماعی، بند زندانیان سیاسی- مطبوعاتی، بند ویژه روحانیت، قرنطینه زندانیان آشوب های پس از مسابقات فوتبال، بند دانشجویان زندانی حادثه کوی دانشگاه و بند زندانیان امنیتی (بند وزارت اطلاعات) گلیا به جدی و اساسی آنها به روند دادرسی و رسیدگی به اتهامات آنهاست.» وی همچنین افزود: «اکثر زندانیان از برخورد مسئولان زندان ها و زندان اوین

مختلف افغانی، آنها را به حمایت از گروه طالبان فرا خواند. همزمان دولت عربستان پول هنگفتی را در اختیار عوامل پاکستانی و طالبان قرار داد که امکانات انسانی و تسلیحاتی وسیعی را برای طالبان فراهم آوردند. همه این حرکات با تأیید مستقیم کارگزاران سیا و دولت آمریکا در منطقه سازمان دهی و اجرا شد. بدین ترتیب با حمایت پاکستان، عربستان سعودی و دولت آمریکا، مشتی مزدور مسلح خاک افغانستان را مورد تاخت و تاز خود قرار دادند، نخست قندهار را به خاک و خون کشیدند، و سرانجام با دخالت مستقیم افسران پاکستانی و دیگر گروه های مزدور، کابل را به تصرف خود درآوردند، و تقریباً بر سراسر افغانستان مسلط شدند. علاوه بر «طلبه های افغانی» مقیم پاکستان، که در استان های شمال غربی این کشور در ۱۳۸۳ مدرسه مذهبی مشغول درس خواندن بودند، نزدیک به ۱۵ هزار مزدور از کشورهای مختلف عربی نیز، که «اسامه بن لادن» سازمان ده اصلی آنها بود، در صفوف طالبان حضور داشتند و جنایات هولناکی را در شهرهای هرات و مزار شریف سازمان دهی کردند. بر اساس برآوردهای انجام شده، نزدیک به ۱۴ هزار طلبه افغانی در این مدارس، خصوصاً مدرسه «جامعه الاسلامیه» و «دارالعلوم»، که در پیشاور قرار دارند، مشغول درس خواندن هستند، و این مدارس به طور سنتی از کمک های مالی دولت بریتانیا بهره مند بوده

پس از بیش از چهار هفته بمباران هوایی سنگین مواضع طالبان در شهرهای مزار شریف، هرات، قندهار و کابل، توسط آمریکا، و در پی یورش نیروهای «ائتلاف شمال»، حکومت طالبان فروپاشید و بخش های مهمی از خاک افغانستان از کنترل آنها خارج شد. سقوط حکومت ضد مردمی طالبان، که با کمک سازمان امنیت دولت مرتجع پاکستان و تأیید دولت آمریکا، به مردم افغانستان تحمیل شده بود، بی شک واقعه بی خجسته و میمون برای مردم افغانستان است که سال های طولانی در یوغ و زنجیر مشتی مرتجع جنایتکار اسیر بودند. پیشینه سیاه کار حکومت طالبان و سران آن، و خصوصاً جنایاتی که این تاریخ اندیشان ضد انسان بر ضد زنان افغانی سازمان دهی کردند، در نوع خود، در تاریخ معاصر جامعه بشری منحصر به فرد است.

تشکیل گروه طالبان به اواسط دهه ۹۰ میلادی بر می گردد. در سپتامبر ۱۹۹۴ (۱۳۷۳)، حکومت پاکستان، برای انتقال یک کاروان بازرگانی از کراچی به کشورهای آسیای مرکزی، گروه مسلح دو هزار نفری از طلبه های افغانی مقیم پاکستان ایجاد کرد که امنیت این کاروان بازرگانی را به عهده بگیرند. در پی موفقیت این گروه، وزیر کشور وقت پاکستان، نصرالله بابر، که از او به عنوان سازمان ده اصلی گروه طالبان نام می برند، به قندهار و هرات سفر کرد و با تماس با گروه های

ادامه در صفحه ۲

**جلوه های پر شکوه همبستگی بین المللی در شصتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران در صفحه ۶**

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

## ادامه وضعیت نگران کننده زندانیان

رضایت دارند و تنها نکته مورد اشاره آنها کمکی است که از سوی قضات کشیک زندان می تواند صورت بگیرد ولی آن طور که باید همکاری نمی شود. اظهارات خویشی ها در مورد رضایت زندانیان سیاسی از برخورد مسئولان زندان ها با آنها در حالی صورت می گیرد که، به گواهی و با استناد به روزنامه های مجاز در داخل کشور و خبرهای دیگری که متناوبا به خارج از زندان ها فرستاده می شود، عدم برخورد انسانی مطابق با موازین بین المللی به طور مداوم یکی از اصلی ترین خواسته های زندانیان سیاسی بوده است. هنوز تعداد بسیاری از این زندانیان در انفرادی و زندان های نامعلوم به سر می برند و عده ای از آنان تا ماه ها از تماس حضوری و تلفنی با خانواده خود محروم بوده اند. جالب اینجاست که موسوی خویشی ها، در قسمتی دیگر از این گزارش خود، می گوید: «هفت دانشجوی زندانی حادثه کوی دانشگاه (احمد باطنی، منوچهر و اکبر محمدی، یکتا کسرانی، میرعبدالباقی و لهراسی) از وضعیت روحی و جسمی بسیار اسفناکی برخوردار بودند.» موسوی خویشی ها دلیل این امر را مورد عفو قرار نگرفتن در کنار دیگر زندانیان قلمداد کرده، و ابراز امیدواری کرده است که در اعیاد آتی تمامی آنها مورد عفو قرار گیرند. به نظر می رسد تقاضای عفو از طرف موسوی خویشی ها برای زندانیان سیاسی تأییدی است بر گناهکار بودن آنها در گذشته، و این در حالی است که زندانیان سیاسی در بند، به طور مکرر، نه تنها اتهامات واهی بر ضد آنها را همیشه رد کرده اند، بلکه ضمن آزادی فوری و بدون قید و شرط خود، خواستار برخورد جدی و توجه افکار عمومی به وجود چنین سرکوب گری های گسترده می باشند. به همین دلیل خبر اعتصاب غذای دانشجویان (اکبر و منوچهر محمدی) نیز مورد تأیید موسوی خویشی ها قرار گرفته است، و در این زمینه می گوید: «در ملاقاتی که با اینها داشتیم، آنها در اعتصاب غذا بودند و از وضعیت نامناسبی به لحاظ روحی و جسمی برخوردار بودند.» همان طور که قبلا بارها عنوان شده است، مساله زندانیان سیاسی، با توجه به گستردگی و ابعاد تعیین کننده آن برای جنبش اصلاحات، با چالش های جدی رو به رو است. تنها با توجه دادن افکار عمومی می توان امید داشت که مرتجعان حاکم به عقب نشینی های جدی در این زمینه تن بدهند. وظیفه تمامی نیروهای مترقی و طرفدار واقعی اصلاحات است که در این زمینه با بسیج افکار عمومی و افشگری های گسترده این مهم را هموار سازند.

با نزدیک شدن موعد برگزاری انتخابات میان دوره ای در استان گلستان، کشمکش و درگیری های جناحی در مورد رد صلاحیت های گسترده ای که از طرف شورای نگهبان صورت گرفته است، نیز همچنان ادامه دارد. یک مقام مطلع در هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات، در باره رد صلاحیت ها گفت: «جنگال ها و جوسازی ها در حالی صورت می گیرد که اکثریت تأیید صلاحیت شده های استان گلستان از هواداران جبهه دوم خرداد می باشند و تعداد کاندیداهایی که وابسته به جبهه دوم خرداد هستند بیشتر است اما افرادی که این روزها به نام دفاع از حقوق شهروندی و حق انتخاب مردم مصاحبه کرده و جنگال به پا می کنند تنها از کاندیداهای خود دفاع می کنند و کاری به رد صلاحیت ۵۰ نفر دیگر ندارند. ۱۱۸ نفر تأیید صلاحیت شده اند که دو سوم آنها دوم خردادی هستند» (رسالت، ۲۴ آبان). تاج زاده، معاون برکنار شده وزیر کشور، در این باره گفت: «بر اساس نظریات مسئولان اجرایی انتخابات، رد صلاحیت اکثر داوطلبان در هیئت های نظارت و شورای نگهبان غیر قانونی و فاقد توجیه حقوقی است» (نوروز، ۲۳ آبان). وی در قسمتی دیگر از این گفتگو اضافه کرد: «مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام با هدف ممانعت از اعمال سلیق فردی و گروهی در رسیدگی به صلاحیت داوطلبان به تصویب رسید. در حقیقت مصلحت نظام چنین تشخیص داده شد. به رغم این، بعضی از اعضای شورای نگهبان اقدام به رد صلاحیت تعداد قابل توجهی از داوطلبان نمودند و اکثر قریب به اتفاق داوطلبان مشهور اصلاح طلب را با رد صلاحیت از گردونه انتخاباتی حذف کرده اند» (همانجا). به گزارش روزنامه «نوروز»، ۲۴ آبان، مجلس شورای اسلامی هفته گذشته و در آخرین جلسه خود قبل از یک هفته تعطیلات، تصمیم گرفت اندکی به نهادهای ناظر بر انتخابات فرصت دهد و از طریق رایزنی و مذاکره با شورای نگهبان، تلاش شود که بدون وضع قانون، مشکل مردم گلستان از راه های مسالمت جویانه تری حل شود. همین روزنامه در ادامه گزارش می نویسد که، نمایندگان مجلس به دنبال طرحی هستند که بر اساس آن، چنانچه شورای نگهبان در رابطه با رد صلاحیت شدگان، دلیل و مدرک فوری و قابل قبولی ارائه نکند، اسامی افراد رد صلاحیت شده در کنار سایر افراد تأیید شده اعلام شود. شکوری راد در این باره گفت: «موضع «مردم»، نماینده ولی فقیه و مسئولان اجرایی استان دفاع از حق قانونی داوطلبانی است که بدون استناد به مدارک معتبر و مستدل رد صلاحیت شده اند.» ایرنا، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۵ آبان، خبری را مخابره کرد که در آن ضمن اشاره به طرح نمایندگان در مورد ابهام موجود در یکی از مواد قانون انتخابات، از قول دو نماینده مامشات طلب مجلس، یعنی میثم سعیدی و نعمیمی پور، رئیس

## دلایل و مدارک «مستند»، یا حذف نظارت استصوابی شورای نگهبان؟

فراکسیون مشارکت، می نویسد: «میثم سعیدی، نماینده تهران و یکی از طراحان این طرح، به خبرنگار ایرنا گفت، در این طرح خواسته شده است که یک تبصره، تحت عنوان تبصره ۲، به ذیل ماده ۵۰ قانون انتخابات افزوده شود و به موجب آن در صورتی که رد صلاحیت داوطلبان نمایندگان مجلس بر اساس مفاد قانون انتخابات نباشد، لازم الاجرا نخواهد بود.» محمد نعمیمی پور هم اظهار داشت که، همان طور که احتمال می رفت، رایزنی نمایندگان با شورای نگهبان به نتیجه قابل قبولی نرسید.

نه در اظهارات تاج زاده، نه در اظهارات نمایندگان که خود را اصلاح طلب قلمداد می کنند و نه در دیگر اظهاراتی که بیانگر نقطه نظرات جناح حکومتی طرفدار اصلاحات است، اشاره بی به موضوع نظارت استصوابی شورای نگهبان نگردیده است. همگی آنها اظهار داشته اند که، رد صلاحیت ها غیر قانونی بوده و بدون ارایه دلایل و مدارک مستند صورت گرفته است. یکی از چالش های جدی جنبش اصلاحات در طول چند سال گذشته همین نکته کلیدی بوده است. از نظر جنبش مردمی، اختیارات واگذار شده به شورای نگهبان و دیگر نهادهای سرکوب گر، عاملی مهم در جلوگیری از تحقق مردم سالاری بوده است، و مردم به طرق گوناگون خواستار حذف چنین موارد مهمی در عرصه سیاسی کشوراند. به نظر می رسد اختلاف مذکور محدود به حذف کاندیداهای جناحی گردیده و بس. بیهوده نیست که در گزارش روزنامه ارتجاعی رسالت آمده است که، دو سوم تأیید شدگان دوم خردادی هستند. با توجه به عملکرد منفعل مجلس ششم، تاکنون، تصویب قوانین کلیدی، حتی اگر خوشبین باشیم که طرح نیم بند فعلی به تصویب برسد، چه نتایج مثبتی را برای جنبش اصلاحات به دنبال خواهد داشت. تنها موضع گیری اصولی را انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان داشته که در قسمتی از آن آمده است: «از شورای نگهبان، انتظار می رود که با پذیرش اراده جمعی مردم و احترام به آگاهی و شعور سیاسی ملت ایران گزینه های مورد قبول و احترام را به عرصه انتخابات برگرداند و همچنین خواهان ایستادگی و پیگیری مجلس و وزارت کشور در برابر رد صلاحیت های استصوابی و غیر اصولی شورای نگهبان هستیم و اقدام قاطع مسئولان آنها را خواستاریم و حمایت خود را از به رفراندوم گذاشتن حق نظارت استصوابی شورای نگهبان اعلام می داریم» (نوروز، ۲۲ آبان).

جنبش مردمی نیازمند حذف چنین موارد مهم و کلیدی از صحنه سیاسی ایران هستند نه ارایه دلایل و مدارک «مستند» در مورد رد صلاحیت ها. اصلاح طلبان حکومتی که آگاهانه و غیر آگاهانه فقط بر این نکته انگشت گذاشته اند متوجه باشند که مردم با تیز هوشی و آگاهی و شعور سیاسی بالا در حمایت و یا طرد آنها از هیچ کوششی دریغ نخواهند ورزید.

## زنان و مبارزه با تفکرات طالبانی

هفته گذشته، تحولات افغانستان و سقوط نزدیک طالبان در این کشور، در روزنامه ها و رسانه های گروهی مجاز در جمهوری اسلامی انعکاس گسترده داشت. انعکاس این اخبار حاکی از نوعی ابراز رضایت در مورد این مساله بود. اما صرف نظر از تحولات پیش رو در افغانستان، مساله مهم برای مردم افغانستان حکومتی جایگزین است که در برگیرنده منافع مردم زجر کشیده افغانستان باشد. فروپاشی حکومت طالبان شاید از منظری خوشایند نیروهای درگیر در آن باشد، اما سوال اساسی این است

که روش های حکومتی طالبان بر ضد مردم می تواند نقش تعیین کننده در تحولات آینده برای مردم آن خطه داشته باشد. برای شکافتن این موضوع به دو خبر جدا از یک دیگر ولی به نوعی در ارتباط با یک دیگر استناد می کنیم. معاون امنیتی - انتظامی استانداری تهران، در مصاحبه بی، در مورد تدابیر امنیتی لازم برای بازی فزونی ایران - ایرلند، گفت: «همانند سابق خانم ها نمی توانند برای تشویق تیم ملی به ورزشگاه بروند. با پیش بینی های انجام

## ادامه زنان و مبارزه ...

شده تعداد محدودی از خانم های ایرلندی که از این کشور به صورت قانونی برای تشویق تیم ملی فوتبال کشورشان به ایران سفر کرده اند بلامانع است. در خصوص حضور خانم ها در این گونه مسابقات باید از نظر مسایل امنیتی، اجتماعی و سیاسی کار کارشناسی صورت گیرد و مسئولان نیز به یک جمع بندی واحد در این مورد برسند» (روزنامه نوروز، ۲۳ آبان). در خبری دیگر، ایرنا، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۵ آبان، نوشت: «پیر سید احمد گیلانی، یکی از رهبران ضد طالبان در مصاحبه با یک روزنامه ایتالیایی گفت، افغانستان کشوری با فرهنگ اسلامی است و زنان باید پوشش اسلامی داشته باشند. روزنامه «کوریره دل اسرا»، روز جمعه، به نقل از وی نوشت، «ما نه با برقع (روبنده) موافق هستیم و نه با دامن کوتاه، و زنان افغانستان در راستای احترام به قوانین اسلام، آزاد خواهند بود. وی می افزاید، کمونیسم در افغانستان به دنبال آزادی مطلق و بی بند و باری زنان بود، و طالبان از طرف دیگر برقع را به عنوان حجاب اسلامی تحمیل کرد که مانع از تحصیل و کار زنان و دختران افغانی شد.» وی می افزاید، «هر نوع افراط و تفریط اشتباه است. اسلام با حجاب موافق است و نه برقع و دختران و زنان افغانی باید بتوانند از فرصت تحصیل و کار برخوردار شوند.»

## ادامه سقوط حکومت ضد مردمی طالبان ...

ائتلافی و موقت متکی به همه نیروهای سیاسی افغانستان، از جمله نیروهای مترقی، که از قربانیان اصلی جنایات «مجاهدین افغانی» بوده اند، تلاش در راه ایجاد ساختارهای مدنی، خلع سلاح گروه های مسلح گوناگون زیر نظر سازمان ملل متحد، ایجاد ارتش ملی افغانستان و زمینه سازی برای برگزاری انتخابات آزاد و دموکراتیک در این کشور، از جمله گام هایی است که اگر بدون دخالت خارجی و زیر نظر سازمان ملل صورت گیرد می تواند زمینه های بازسازی افغانستان نابود شده در زیر مهمیز دخالت های خارجی را فراهم آورد. حوادث افغانستان، بی شک تأثیرات خود را بر میهن ما نیز برجای خواهد گذاشت. صحنه های شادی مردم از فرار طالبان و آزادی نسبی زنان، بی شک نمی تواند در اذهان مردم ما، که خود را در چنگال مشتی تاریخ اندیش، که خواهان ایجاد حکومتی از نوع طالبان در ایران بودند، بی تأثیر باشد. سرنوشت حکومت طالبان و سران آن بی شک سرنوشتی است که دیر یا زود سراغ مرتجعان حاکم کنونی در میهن ما نیز خواهد آمد، ولی این امر مسأله بی است که تنها با خواست و اراده مردم میهن ما می تواند تحقق یابد و نه با دخالت خارجی. هورا کشیدن جمعی سلطنت طلب برای بمباران هوایی افغانستان و کشتار مردم بی گناه این کشور و تشویق دولت بوش برای تکرار این سناریو در ایران، بی شک نشانگر بی ریشگی این نیروهاست. سرنوشت میهن ما و طرد رژیم «ولایت فقیه» با دستان پرتوان مردم میهن ما، کارگران، زحمتکشان، دانشجویان و زنان مبارز ایرانی تحقق خواهد یافت، و در این زمینه نه مردم ایران و نه نیروهای مترقی و آزادی خواه اجازه دخالت در امور داخلی ایران را، به هیچ عنوان، به هیچ نیروی خارجی و مزدوران آن نخواهند داد.

## به استقبال شصتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران

وقایع نگاری  
یک سده  
جنبش کارگری  
و کمونیستی  
ایران

■ اردیبهشت ۱۳۳۲ - اولین کنگره ملی زنان ایران به ابتکار سازمان زنان در تهران تشکیل شد. در این کنگره قریب ۱۰۰۰ نفر از سراسر کشور شرکت کردند. در این کنگره قطعنامه ای به تصویب رسید که مهمترین بخش آن تصریح لزوم تأمین حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای زنان بود.

■ ۲۹ خرداد ۱۳۳۲ - تظاهرات عظیم ضد شاه در بابل، در اعتراض به مداخلات دربار در امور کشور. در جریان این تظاهرات عده بی مقتول و مجروح شدند.

■ بیست هزار کارگر کورپزخانه های تهران دست به اعتصاب زدند. خواست کارگران ۲۵ درصد اضافه دستمزد و اجرای لایحه بیمه های اجتماعی بود. این اعتصاب ده روز به طول انجامید و با پیروزی کارگران به پایان رسید.

■ ۱۹ تیر ۱۳۳۲ - تشکیل فستیوال ملی جوانان ایران. در این فستیوال هزاران نماینده جوانان از سراسر کشور حضور داشتند.

■ ۱۲ مرداد ۱۳۳۲ - رفراندوم دولت دکتر مصدق، به منظور انحلال مجلسی که نمایندگان مرتجع و طرفدار امپریالیسم در آن حضور داشتند، در تهران انجام شد. در این رفراندوم حزب توده ایران نقش فعالی را ایفاء کرد و توانست ده ها هزار تن از مردم تهران را به نفع رفراندوم به پای صندوق های رأی بیاورد. این رفراندوم از متهورانه ترین اقدامات دکتر مصدق بر ضد اختیارات نامحدود شاه و ضربه بزرگی بر قدرت او بود که انحلال مجلس را حق خود می دانست.

■ ۱۹ مرداد ۱۳۳۲ - در این روز میلیون ها ایرانی در شهرستان ها در رفراندوم دکتر مصدق شرکت کردند و به انحلال مجلس رأی دادند.

■ ۲۲ مرداد ۱۳۳۲ - صدور فرمان نخست وزیر زاهدی و عزل دولت دکتر مصدق

■ ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ - کودتای ۲۵ مرداد شاه بر ضد حکومت دکتر مصدق با شکست روبه رو شد و نماینده شاه (سرهنک نصیری) که مأمور ابلاغ حکم عزل نخست وزیر بود، توقیف شد. شاه که توطئه اش افشاء شد، از بیم مردم سراسیمه از کشور گریخت.

■ ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ - در این تاریخ مرتجع ترین محافل هیئت حاکمه ایران به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و انگلیس توطئه سهمناکی را بر ضد نهضت ملی میهن ما به اجرا درآوردند.

کودتا تحت نظر آلن دالاس، رئیس سازمان جاسوسی آمریکا انجام شد. نقش اساسی را در این توطئه هندرسن سفیر آمریکا بر عهده داشت و شاه و زاهدی عوامل اجرای این نقشه بودند. کودتا به دلیل پراکندگی نیروهای ملی و مترقی و آماده نبودن جنبش به پیروزی رسید و ضربه مهم تاریخی را بر جنبش آزادی خواهی میهن ما وارد آورد. حکومت ملی دکتر مصدق سقوط کرد و نهضت ملی ایران سرکوب شد. توده ای ها در صف نخستین قربانیان این توطئه بر ضد میهن ما بودند.

ادامه در شماره بعدی «نامه مردم»

# آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران

## مراسم ۱۳ آبان، نمایشات رسوا شده ارتجاع حاکم

ادامه قوه قضائیه رژیم «ولایت فقیه» ...

هفته گذشته، در سالگرد اشغال سفارت آمریکا، مرتجعان حاکم، به رهبری جنتی، نمایشاتی ترتیب دادند که شرکت کنندگان در آن را مهره های دست چین شده و شناخته شده رژیم تشکیل می دادند. عدم حضور و شرکت مردم و دانشجویان در این مراسم باعث نگرید که مرتجعان حاکم خشم خود را در این باره نشان ندهند. روزنامه ارتجاعی «جمهوری اسلامی» در این باره نوشت: «مراسم روز ملی مبارزه با استکبار جهانی، با شرکت اقشار مختلف مردم و نقش آفرینی دانشجویان و دانش آموزان برگزار شد. در این مراسم که با شعارهای مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل و مرگ بر انگلیس به عنوان مثلث شوم استکبار همراه بود، در عین برخورداری از صلابت و گستردگی، جای خالی یک تشکل دانشجویی صاحب نام که همواره در مبارزه علیه استکبار به ویژه آمریکا به عنوان راس هرم استکبار پیشتاز بود، کاملاً حس می شد» (اطلاعات بین المللی، ۱۵ آبان).

مقاله در ادامه به صورتی کاملاً هدفمند می نویسد: «نکته این است که جنبش دانشجویی، به دلیل ماهیت خاص خود که جوان بودن، آزاد اندیش بودن، استقلال فکری داشتن، عدم وابستگی به احزاب و جناح ها، عدالت خواهی، طرفداری از مظلومان و محرومان و ایستادگی در برابر استبداد و استعمار، مقوم اصلی آن هستند، یک جنبش مترقی است و هرگز حاضر نیست با ارتجاع از درسازش دریاید.» خصایلی که برای جنبش دانشجویی از طرف روزنامه جمهوری اسلامی برشمرده شده است، یکی از دلایل تاثیر گذاری جنبش دانشجویی بر جنبش اصلاحات است. دقیقاً به دلیل همین خصایل، از جمله عدم سازش با ارتجاع، است که حضور دانشجویان در مراسم فرمایشی مورد نظر روزنامه جمهوری اسلامی مشاهده نگردید. منتها این روزنامه به این دلیل که همفکران مرتجعش در ارگان های سرکوب را «ضد آمریکایی»، «ضد ارتجاعی» و «آزاد اندیش»، قلمداد می کند، با تهدید جنبش دانشجویی می نویسد: «قطعاً اگر یک جنبش دانشجویی این خصوصیات را از دست بدهد و با ارتجاع سازش کند، دیگر نمی توان آن را یک جنبش دانشجویی دانست. حزب و گروهی است که نام و عنوان جنبش دانشجویی را بی جهت یدک می کشد و هیچ نسبتی با ماهیت دانشجویی ندارد.» و دقیقاً باز به دلیل همین تجربه های عینی دانشجویان است که با تحریم مراسم فرمایشی حاکمان مرتجع، با حفظ استقلال فکری، کارزاری گسترده علیه تبحر دینی را آغاز می کنند.

سردمداران رژیم در حالی با شعارهای ضد آمریکایی و چهره بی به ظاهر طرفدار مردم مظلوم افغانستان و هوادار «افشای جنایات آمریکا» در منطقه، طی هفته های اخیر تلاش تبلیغاتی وسیعی را آغاز کرده بودند، بنا به گزارش خبرگزاری های بین المللی، در اجلاس مشترک گروه «۶ به اضافه ۲» که در آن وزیر امور خارجه آمریکا نیز شرکت داشت، با شرکت دادن وزیر خارجه رژیم شعارهای پوچ و توخالی خود را بر ضد آمریکا نشان داد.

درست به دلیل پوچ بودن چنین عریبه کشی هایی است که حکام رژیم مجبورند تظاهرات فرمایشی خویش را در دسته های چند ده نفری انجام دهند، و خشمگینان از حرکات آگاهانه دیگر گروه های اجتماعی پیشرو، آنها را مورد تهدید قرار دهند.

هایی واهمه ای به خود راه نمی دهند. دایره بحثی که باز شده حتی ممکن است شامل شخصیت هایی از قوه مجریه نیز بشود...» از اهداف دیگر این کمیته، مهار طرفداران خاتمی در زمینه سیاست خارجی و خصوصاً مسأله مهم افغانستان و به دست گرفتن ابتکار عمل در این عرصه است. تشکیل کمیته ویژه حلقه بی از سلسله اقدامات ارتجاع در خصوص مسایل مبرم و مبانی تعیین کننده بی چون گفت و گو با آمریکا، تعیین سمت گیری سیاست خارجی در رابطه با تحولات منطقه و نوع رابطه با پاکستان، روسیه و اتحادیه اروپاست.

بی جهت نیست که دستگاه های تبلیغاتی زیر کنترل «ولی فقیه» تلاش کرده و می کنند تا سیاست رسمی رژیم در باره تحولات منطقه را بیشتر از مجرای نهاد «ولایت» و ارگان هایی همچون مجمع تشخیص مصلحت اعلام کنند. تجربه تاریخی در این زمینه نشان می دهد که مهم ترین اصل برای این نیروها، در تعیین سیاست خارجی و داخلی، همواره منافع گروهی و خصوصاً تلاش برای حفظ حکومت استبدادی است و نه منافع مردم و میهن ما. شاهرودی، در جلسه روز دوشنبه ۲۱ آبان ماه با مسئولان ارشد این قوه، ضمن توضیح درباره «مصلح ملی» و با اشاره به گزارش دادستان کل جمهوری اسلامی از روند کار «کمیته ویژه»، تأکید کرد: «مواظب باشیم، منافع و مصلح ملی را فدای گرایش ها و خواست های جناحی نکنیم و بلکه خواست های حزبی را در راه تأمین منافع ملی فدا کنیم...»

با اعلام خبر تشکیل این کمیته، که به نظر می رسد اختیارات نامحدود و «فرا قوه بی» دارد، شماری از طرفداران خاتمی، تشکیل این کمیته را خلاف قانون اساسی دانستند و تشکیل آن را دخالت قوه قضائیه در امور سایر قوه ها اعلام کردند. احمد بورقانی، از اعضای هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی، در این زمینه یاد آور شد: «تشکیل کمیته ویژه در قوه قضائیه برای نظارت بر حسن اجرای سیاست های مقام رهبری و شورای عالی امنیت ملی در خصوص حوادث اخیر منطقه و افغانستان غیر قانونی و خارج از وظایف ذاتی این قوه است...»

محسن آرمین، از رهبران سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و نایب رئیس دوم مجلس شورای اسلامی، نیز با مردود شمردن اقدامات قوه قضائیه و با استناد به بند ۳ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی و اصل ۱۱۰ از تشکیل کمیته ویژه ابراز تعجب کرد و آن را اقدامی مغایر قانون اساسی خواند. آرمین در همین موضع گیری، به درستی، اشاره کرد که، مصوبات شورای عالی امنیت ملی قانون نیست و شکل گیری کمیته ویژه نقض آشکار اصل تفکیک قوا و استقلال قوای سه گانه از یکدیگرند.

این اولین بار نیست که رژیم ولایت فقیه با زیر پا گذاشتن قوانین موجود خود حرکتی را سازمان دهی و اجرا می کند. در رژیم ولایت فقیه اصولاً قانون معنایی ندارد. این «ولی فقیه» است که می تواند با استفاده از اختیارات نامحدود خود حتی تمامی قانون اساسی جمهوری اسلامی را نقض کند و یا آن را به شیوه بی که صلاح می داند تعبیر کند. در اینجا اظهار تعجب برخی از هواداران رئیس جمهوری از این اقدام و این «قانون شکنی» خود قابل تعجب است که، چه گونه پس از همه این سال ها و تجربیات، این افراد یا هنوز شیوه و عملکرد رژیم ولایت فقیه را نشناخته اند و یا تلاش شان پرده پوشی بر واقعیاتی است که برای مردم ما روشن است. تجربه ماه های اخیر و دخالت های مداوم «ولی فقیه» در تهدید و حتی نقض تصمیمات و خواست مجلس شورای اسلامی، خود گواه نیرومندی در زمینه «قانون» و «قانون مداری» در رژیم ولایت فقیه است، که تکرار آن در عرصه های دیگر جای تعجبی ندارد. مسأله درگیری اصلاح طلبان حکومتی با مرتجعان قوه قضائیه، با اظهار تعجب حل نمی شود. قوه قضائیه رژیم «ولایت فقیه»، بر اساس تجربه مشخص و عملکرد آن در سال های اخیر، دستگاهی است در خدمت سرکوب حقوق شهروندان و حفظ پایه های حکومت استبدادی. اندیشه حاکم بر این دستگاه و دیگر مرتجعان تاریک اندیشی که در نهادهای پر قدرت دیگری همچون شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت و مجلس خبرگان گرد آمده اند، از نوع اندیشه های طالبان در افغانستان است که باید با تمام قوا با آن به مبارزه برخاست. ما قبلاً نیز تذکر داده بودیم که، هدف ارتجاع در اوضاع کنونی برداشتن گام های عملی مشخص برای محدود کردن هر چه بیشتر نیروهای «خودی» مدافع اصلاحات، وادار کردن بخش های مهمی از این نیروها به سازش کامل، و سرکوب کسانی است که تن به عقب نشینی نمی دهند. محاکمه نیروهای «ملی - مذهبی» به جرم مخالفت سیاسی با نظرات تاریک اندیشان حاکم، ایجاد دستگاهی به نام کمیته «ویژه» که می تواند هر شخصی را در هر ارگانی به بهانه واهی «به خطر انداختن امنیت ملی» تحت پیگرد قرار دهد، در کنار ادامه یورش و سرکوب جنبش دانشجویی، نشان گر موقعیت حساس و خطرناک کنونی است. تعرضات ارتجاع را با ابراز تعجب و نصیحت در باره اصول مختلف قانون اساسی نمی توان با شکست مواجه کرد. راه حل مسأله اتکاء به مردم، سازمان دهی توده ها و استفاده مستقیم از توده ها در تعیین سرنوشت آنهاست.



نمای بیرونی کتابخانه تاریخی یادمان مارکس در لندن



رفیق جرج جوهانس، نایب سفیر آفریقای جنوبی در بریتانیا و نماینده حزب کمونیست آفریقای جنوبی به هنگام سخنرانی در جشن

## جشن شصتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران در کتابخانه تاریخی یادمان مارکس در لندن

اعضا و هواداران حزب توده ایران، در مراسمی شصتمین سالگرد تأسیس حزب را در تالار اجتماعات کتابخانه یادمان مارکس، در مرکز لندن، برگزار کردند. سالن محل برگزاری جشن مملو از اعضا، هواداران حزب و میهمانان خارجی جشن بود. دیوارهای سالن با پرچم ویژه شصتمین سالگرد حزب به زبان های فارسی و انگلیسی و آرم بزرگ نامه مردم مزین شده بود و عکس های بنیانگذاران جنبش کمونیستی و کارگری (مارکس - انگلس - لنین) و تصاویر رهبران برجسته جنبش کمونیستی ایران زینت بخش محل جشن بود. در هر گوشه و کنار نیز شاخه های گل سرخ به چشم می خورد.

انتخاب کتابخانه یادمان مارکس، با توجه به تاریخچه آن، فضایی بس در خور برای جشن شصتمین سالگرد حزب ارانی، سیامک، روزبه و حیدر مهرگان پدید آورده بود. این کتابخانه، که توسط جنبش کارگری انگلیس اداره می شود، محلی است که مارکس بخش اعظمی از تحقیقات خود را در رابطه با آثار به یاد ماندنی اش را انجام داده است. همچنین ولادیمیر ایلیچ لنین، رهبر بلشویک های روسیه و طراح انقلاب پیروز مند اکبر، در فاصله سال های ۱۹۰۲ - ۱۹۰۳ در محل این کتابخانه روزنامه ایسکرا را منتشر کرده است، دفتر کار لنین با همان میز و صندلی بی که او کار می کرد به همان صورت در قسمت موزه کتابخانه حفظ شده است.

مراسم ابتدا با سرود چهارم حزب آغاز شد. پس از آن رفیق رابرت گریفیت، دبیر کل حزب کمونیست انگلیس، سخنرانی کرد. او در سخنرانی خود، با ارائه تحلیل دقیقی از تحولات کنونی جهان، توجه به اوضاع بحرانی در خاورمیانه و روند با اهمیت جنبش مردمی در ایران، نقش برجسته حزب توده ایران در مبارزات مردم ایران سخن گفت و در مورد نقش حزب در عرصه بین المللی افزود: حزب توده ایران در میان احزاب برادر از اعتبار بالایی برخوردار است. رفیق گریفیت در توضیح نقش برجسته و فعال حزب ما در خانواده احزاب برادر، به حضور فعال هیئت های نمایندگی حزب مان در اجلاس های سالانه بین المللی و تأثیر معنوی حزب ما در بحث های جاری در میان احزاب کمونیست و کارگری جها اشاره کرد و گفت: نقطه نظرات ارائه شده از طرف حزب همیشه اهمیت ویژه ای داشته است.

سخنران دوم، رفیق محمد امیدوار بود که در ابتدا از تاریخ پیدایش حزب توده ایران و زمینه های تاریخی آن سخن گفت. رفیق امیدوار با اشاره به دوره شصت ساله حزب توده ایران، و تذکر این نکته که برغم شرایط ترور و اختناق و تعقیب پلیسی اعضا و هواداران حزب توده ایران، با تلاشی خستگی ناپذیر و با قهرمانی های فراوان توانستند حزب را به عنوان بزرگترین سازمانده جنبش کارگری در جامعه مطرح کنند به تشریح نقش حزب توده ایران در تغییر فضای سیاسی و فرهنگی کشور پرداخت. وی سپس با تشریح اوضاع سیاسی کشور و علل موضع گیری های کنونی حزب در مقابل حاکمیت برداشت، و با توضیح ویژگی های استبداد حاکم، رژیم «ولایت فقیه» را علت اصلی بازدارنده تحولات بنیادین، پایدار و دموکراتیک در میهن ما دانست.

پس از پایان سخنرانی رفیق امیدوار، رفقای نماینده احزاب کمونیستی، کارگری و نیروهای مترقی پیام های خود به حزب را خواندند.

رفیق اوتار صدیق، نماینده کمیته مرکزی حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)، با شعری از ناظم حکمت، به یاد شهدای حزب، سخنان خود را آغاز کرد، و از بخش هایی از تاریخ حزب توده ایران و اهمیت بین المللی آن، به ویژه در جنوب آسیا و منطقه خاورمیانه، سخن گفت.

رفیق جوج جوهانسیس، دبیر دوم سفارت آفریقای جنوبی از طرف حزب کمونیست آفریقای جنوبی، در پیام پرشوری به حزب توده ایران و جنبش انقلابی میهن مان، از نقش حزب در مبارزات داخلی و بین المللی صحبت کرد، و خواهان گسترش روابط دو حزب برادر و خلق های دو کشور شد.

رفیق تام سیبلی، یکی از رهبران جنبش سندیکایی انگلیس و از حامیان صدیق جنبش کارگری کشورمان، به نمایندگی از شورای اجرایی مرکز حقوق سندیکای جهانی، در سخنرانی خود از اهمیت مبارزات همبستگی جهانی با طبقه کارگر ایران و بر پایه تجربیات مشخص خود او در جریان کنفرانس ها و اجلاس های مهم بین المللی، از نقش برجسته و اصولی حزب توده ایران در تدارک، بسیج و هدایت این مبارزات صحبت کرد.

رفیق فرخ نگهدار، به نمایندگی از شورای مرکزی فدائیان خلق ایران اکثریت، ضمن تبریک شصتمین سالگرد حزب، از جمله گفت: «حزب توده ایران قدیمی ترین حزبی است که اندیشه های مربوط به عدالت اجتماعی، برابری و سوسیالیسم را در کشور ما ترویج داده است. در حزب شما نسل هایی پرورش یافته اند که این اندیشه ها را در سر داشتند و ما فدائیان خلق از آنها بسیار آموخته ایم. آنها پیش کسوت های ما بوده اند...» رفیق نگهدار، ضمن اشاره به تجربیات شخصی خود و آشنایی با شماری از رهبران حزب، در خاتمه افزود: «مهرماه امسال هم شصتمین سالروز تأسیس حزب توده ایران و هم بیستمین سال آغاز مناسبات دوستانه میان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران است... از صدور اولین بیانیه مشترک ما ۲۰ سال گذشت و این دوستی در بعد اجتماعی همچنان استوار مانده است. برای حزب و سازمان قبل از همه بگانگی با مردم و با زمانه را توام با وفاداری به آرمان های آغازین آرزومندم.»

رفیق عبدالله، مسئول سازمان حزبی در انگلستان، از حزب کمونیست عراق، ضمن تأکید بر روابط عمیق دو حزب برادر بر همبستگی رفقای کمونیست عراقی با رفقای توده ای تأکید کرد.

رفیق التون، حزب کمونیست سودان، عضو کمیته مرکزی، ضمن اظهار امیدواری برای گسترش هر چه بیشتر روابط برادرانه تاریخی بین دو حزب، در مورد نزدیکی های با اهمیت تحولات دو کشور و تأثیر پذیری متقابل آن ها و فصل های مشترک مبارزه دو حزب سخن گفت.

سخن گفت. نماینده حزب کمونیست بنگلادش و نماینده حزب کمونیست یونان، نیز پیام های حزب شان را ارائه دادند.

در جریان جشن، دو تن از هواداران جوان حزب قطعاتی زیبا با ویولون و فلوت نواختند. پس از آن نیز دکلمه شعری از برتولت برشت اجرا شد. جشن با سرود انترناسیونال خاتمه یافت و در پایان نیز به هر شرکت کننده شاخه گل سرخی اهدا شد.

ادامه سقوط حکومت ضد مردمی ...

اند.

رهبری طالبان نیز چندان ناشناخته نیستند. ملا محمد عمر، سر دسته طالبان، یکی از فرماندهان گروه یونس خالص بود، که در کنار جنایتکار معروف حکمتیار، مزدور سیا و عربستان سعودی، جنایات متعددی را در افغانستان مرتکب شده بود. یکی از هدف های پاکستان و امپریالیسم از تحمیل گروه طالبان به افغانستان، «ایجاد امنیت» برای تأمین منافع انحصارهای فرا ملی، خصوصاً شرکت های نفتی، و امکان ایجاد شاه لوله نفت از آسیای مرکزی و از طریق افغانستان و پاکستان بود. درست به همین علت بود که پس از اشغال مزار شریف توسط طالبان و حاکم شدن آنها، شرکت آمریکایی یونیکال از اجرای طرح احداث شاه لوله های نفت و گاز از مسیر آسیای مرکزی به پاکستان و از طریق خاک افغانستان سخن گفت و «برقراری امنیت» توسط طالبان را گامی مثبت در راه تحقق این برنامه ها ارزیابی کرد. در کنار این طرح لوله کشی گاز، ده ها طرح اقتصادی مهم دیگر، از جمله ایجاد یک خط راه آهن سراسری برای مرتبط کردن پاکستان به آسیای مرکزی، روسیه و چین مطرح بود، که در تمامی این طرح، افزون بر شرکت های آمریکایی، شرکت های اروپایی و ژاپنی نیز حضور داشتند. در همین سال ها کنسرسیومی شامل شرکت آمریکایی یونیکال، بریتیش پترولیوم از انگلستان، سایکو وان پکس از ژاپن، دلتا از عربستان سعودی، هایوندایی از کره جنوبی، و گری سنت از پاکستان، و نیز وزارت نفت پاکستان، بررسی مقدماتی احداث شاه لوله های نفت و گاز، و در درجه اول نفت و گاز ترکمنستان، را انجام داد. جالب اینجاست که، در راستای تحقق همین برنامه ها، و با میانجی گیری پاکستان، در سال ۱۹۹۸ میلادی (۱۳۷۷)، هیئتی از سوی گروه طالبان اعزام و اشنگتن شد و با مقامات کاخ سفید و وزارت امور خارجه آمریکا به مذاکره نشست.

افزون بر جنایات طالبان در افغانستان، نیروهای زیر کنترل این گروه و همچنین «اسامه بن لادن» نقشی اساسی در ایجاد جنگ داخلی در چین و کشمیر، و به طور کلی نا امن کردن منطقه، بر عهده داشتند، که این حرکات نیز در خطوط کلی، در چارچوب اهداف استراتژیک امپریالیسم برای تقویت مواضع سیاسی، اقتصادی و نظامی اش در منطقه بود.

بدین ترتیب سقوط حکومت ضد مردمی و جنایتکار طالبان در افغانستان، پدیده بی است که هر نیروی انسان دوست و مرفقی، در منطقه از آن استقبال خواهد کرد. مسأله اساسی در اوضاع کنونی این است که، بر سر افغانستان چه باید بیاید. بر اساس آخرین گزارش ها، در پی سقوط کابل و دیگر شهرهای این کشور، نیروهای ویژه مسلح آمریکایی و انگلیسی وارد خاک این کشور شده اند و بخش هایی از آن را به بهانه «برقراری امنیت» اشغال کرده اند. امپریالیسم و خصوصاً دولت بوش و بلر، خواهان تحمیل حکومت وابسته و «مطمئنی» به مردم افغانستان هستند که منافع این کشورها را تأمین کند. دخالت های امپریالیسم، تجهیز و تسلیح «مجاهدین افغانی» و ایجاد طالبان، همگی نشانه های تاریخی معتبری است که جای هیچ گونه خوشبینی بی درباره اهداف و برنامه های امپریالیسم در افغانستان باقی نمی گذارد. البته همه این دخالت ها زیر لوای «مبارزه با تروریسم» صورت می گیرد. و این در حالی است که اخبار گوناگونی حکایت از بازگشت طالبان به خاک پاکستان و پایگاه های قبلی شان در این کشور، و منتظر فرصت برای بازگشت به خاک افغانستان دارد.

نیروهای مرفقی منطقه، از جمله نیروهای افغانی، شدت با مداخلات گسترش یابنده دولت های آمریکا و انگلیس در امور داخلی این کشور مخالفتند. نیروهای مرفقی بر این عقیده اند که، سازمان ملل متحد باید با ایفای نقش فعال زمینه را برای بازگشت وضعیت افغانستان به حالت عادی و حاکم شدن خواست مردم افغانستان آماده سازد. افغانستان کشوری کثیر المله است که هرگونه تلاشی در راه تحمیل ساختار های از پیش تدارک دیده شده در واشنگتن و لندن، بی شک به بی ثباتی بیشتر، و در دراز مدت، باز هم به درگیری های داخلی و خونریزی های بیشتر منجر خواهد شد. ایجاد حکومت

جلوه های شکوهمند  
همبستگی بین المللی  
در شصتمین سالگرد  
تأسیس حزب



پیام حزب کمونیست ترکیه - حزب قدرت سوسیالیستی -  
به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز

تاریخ طبقه کارگر ایران در بر دارنده دستاورد های درخشان و هم چنین رخدادهای ترازیک است. به همین دلیل ما کمونیست های ترکیه هیچ گاه تحولاتی را، که در ابتدای دهه ۸۰ میلادی رخ داد، به عنوان پیروزی مطلق ضد انقلاب قبول نکردیم. این واضح است که، حضور حزب توده ایران که در مبارزات طبقاتی در کشور به مثابه حزب پیشاهنگ عمل می کند، یکی از دلایل این خوشبینی در رابطه با آینده ایران است.

ما می دانیم که مردم دو کشور ما در بسیاری امور تجربه های مشابهی دارند. هر دو کشور با معنی واقعی بنیادگرایی اسلامی مواجه بوده اند، گرچه مردم و نیروهای مرفقی در ایران در مقایسه با ترکیه دوران دردآوری را از سر گذراندند. بهر تاویل عدم حضور یک دیکتاتوری بنیادگرا در ترکیه به این مفهوم نیست که ما از ماموریت ضد انقلابی جنبش های اسلامی مصون بوده ایم.

در کنار خطر بنیادگرایی اسلامی، به سادگی می توان یک خطر مشترک دیگر را دید: خطر امپریالیسم آمریکا. این درست است که از حدود ۲۰ سال قبل ایران به طور نسبی وابستگی مستقیم به ایالات متحده آمریکا نداشته است. گرچه مخصوصاً پس از جنگ دوم جهانی، حزب توده ایران مبارزه بی سخت بر ضد امپریالیسم آمریکا و رژیم دست نشانده آن را سازمان داد، اما ما از این هراس داریم که در آینده نزدیک، مبارزه ضد امپریالیستی، ضد آمریکایی در ایران دو باره از مهمترین وظایف نیروهای مرفقی خواهد بود. ما ایمان داریم که رفقای ایرانی ما بیشترین کوشش خود را برای پیروزی در این مبارزه بسج خواهند کرد.

رفقای عزیز،

شما باید بدانید که در مبارزه خود تنها نیستید. به نمایندگی از طرف کمونیست های ترکیه، حزب قدرت سوسیالیستی - حزب کمونیست ترکیه، شصتمین سالگرد بنیانگذاری حزب را تبریک گفته و صمیمانه ترین تبریکات خود را به همه اعضاء و رفقا تقدیم می کند.

زنده باد انترناسیونالیسم، زنده باد سوسیالیسم

زنده باد همبستگی بین طبقه کارگر ایران و ترکیه.

پیام حزب کمونیست نروژ

به حزب توده ایران

حزب کمونیست نروژ شصتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در ۱۰ مهرماه ۱۳۸۰ (۲ اکتبر ۲۰۰۱) تبریک می گوید. شما در نبردی سخت برای طبقه کارگر و مردم ایران، با پیروزی بر رژیم شاه و پس از آن با شرایطی طاقت فرسا و دردناک بر ضد رژیم «ولایت فقیه» در این سال ها رزمیدید. ما خوشحالی خود را از دستاورد های شما و «نه» مردم ایران در آخرین انتخابات رئیس جمهوری ابراز می داریم. شما برای حقوق کارگران و تشکیل های کارگری و برای دموکراسی و جنبش آزادی مبارزه می کنید. مبارزه شما مبارزه مهمی در ایران است.

تمامی احزاب کمونیست و نیروهای مرفقی در جهان بر ضد «امپریالیسم جهانی» و نهاد های وابسته به آن یعنی، «صندوق بین المللی پول»، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی، ناتو و خبرگزاری های وابسته به آن مبارزه می کنند. در این مبارزه روابط نزدیک و همکاری بین احزاب کمونیست جهان و نیروهای مرفقی ضروری است. ما خواهان پیشرفت شما در نبردتان بر ضد رژیم ولایت فقیه و نبرد مشترکمان بر ضد امپریالیسم جهانی و نهاد های وابسته به آن هستیم.

شصتمین سالگرد حزب توده ایران مبارک باد!

اسلو - ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۱ (مهر ۱۳۸۰)

ظفر گوزت - رهبر سوند هوسن یاکوبسن - دبیر دایره امور بین المللی

## پوتین در راه نابودی روسیه

بدهی های خود ایجاد کند .

در همین رابطه، دبیر اول حزب کمونیست روسیه، زیگانف، ضمن اخطار به پوتین، گفت که، پوتین نباید در ملاقات با بوش، امتیازهای جدیدی را به ایالات متحده بدهد، و اضافه کرد: «روسیه در حال حاضر دوستان و بسیاری از اصول سیاسی خود را از دست داده است. روسیه امتیازات زیادی را در همکاری با ایالات متحده در مبارزه با تروریسم از دست داده است... غرب حداکثر امتیازها را به دست آورده است، اما چیزی در قبال آن ارایه نکرده است... روسیه پیشنهاد توافقنامه بی را با آمریکا در مورد سپر دفاع موشکی ارایه کرد، اما با تهدید به لغو قرار داد ABM رو به رو شد.» او اضافه کرد: «نقشه های آمریکا حتی از سوی شرکای غربی آن نیز مورد انتقاد قرار گرفته است، بدون اینکه چیزی در مورد چین گفته باشیم، نشان دهنده تغییرات عمیق در سیاست های خارجی روسیه است... بیانیه رسمی در مورد ملحق شدن به ناتو هیچ دوستی بی را در شرق و یا جنوب به وجود نخواهد آورد... روسیه نیاز به صلح با غرب دارد. اما ایالات متحده در بحران اقتصادی است و برآوردها و ارزش های سرمایه داری زیر سؤال رفته است... در چنین شرایطی صلاح نبود با آمریکا به عنوان نسخه بی برای حل مشکلات کشورمان متحد شد.» سپس طی این سخنان خطاب به پوتین گفته می شود: «مردم انتظار سیاست جدی را از طرف تو برای نجات کشور داشتند. تو در حال حاضر به همان سرایشی لغزیده ای که گورباچف و یلتسین رفته اند.» باید اضافه کرد که، پوتین در مصاحبه خود در رابطه با «سیستم دفاع ضد موشکی» آمریکا مواضع جدیدی را اتخاذ کرده است، و یا به بیان دیگر، برای تکمیل این سیستم به آمریکا چراغ سبز نشان داده است.

تحولات اخیر جهان، بویژه پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، این فرصت را برای پوتین، رئیس جمهوری روسیه، به وجود آورده است تا روند دگرگون سازی و تخریب روسیه را در جهت تامین منافع امپریالیست ها تسریع کند .

پوتین تلاش می کند تا با فعالیت های گوناگون، جایی «در خور توجه» برای روسیه در میان کشورهای امپریالیستی و قدرت های بزرگ ایجاد کند. آخرین این حرکت ها تلاش وسیع او برای «مبارزه با تروریسم جهانی» است. مکالمات تلفنی با بوش و دیگر سران کشورهای عضو ناتو، ملاقات وزیران کشورها در واشنگتن و بروکسل و... تماس دائم با سران جمهوری های سابق شوروی به منظور قانع کردن آنها برای پذیرش سیاست های توسعه طلبانه آمریکا، در زمره این فعالیت ها هستند. پوتین این اقدام ها را موفقیت آمیز خوانده است. جمهوری های آسیایی که با افغانستان هم مرز هستند، پایگاه های نظامی و فرودگاه های خود را در اختیار ارتش آمریکا قرار داده اند. حتی اوکراین نیز به هواپیماهای آمریکایی اجازه داده است تا در منطقه تحت نظر این کشور پرواز کنند، به شرطی که در راه کمک های انسانی صورت بگیرد .

فعالیت های پوتین به طور عمده در راه دستیابی به برخی امتیازها از کشورهای غربی است، که مسایل زیر را می توان بیشتر مورد نظر قرار داد .

روسیه در تلاش است تا کشورهای غربی را وادار کند تا نظر خود را در مورد «چچن» تغییر دهند و درگیری های این منطقه را به رسمیت بشناسند.

پوتین در همین رابطه در مصاحبه بی با شبکه تلویزیونی ABC گفت «روسیه باید به نیروهای ایالات متحده در عملیات در خاک افغانستان کمک کند.» و اضافه کرد که او به سازمان اطلاعات آمریکا مدارکی را نشان داده است که در آن جدایی طلبان جمهوری «چچن» نقشه قتل آمریکایی ها را داشته اند.

از سویی دیگر پوتین به دنبال پیدا کردن جایی مناسب در میان قدرت های بزرگ و مشارکت در تعیین سیاست های جهانی است .

جنبه دیگر قضیه را باید در رابطه با بدهی های روسیه دید. روسیه تلاش می کند تا با نشان دادن «خلوص نیت» به غرب، شرایط بهتری را برای پس دادن

## اورتگا آمریکا را به قلب و دخالت در

جمهوری کشور، خواهد شد که متهم به اختلاس و فساد دولتی شده است.

اورتگا در ژوئیه ۱۹۷۹، با رهبری گروه چپ ساندینیست ها، به ماناگوا، پایتخت نیکاراگوئه، به حکومت دیکتاتوری ۵۰ ساله خانواده سوموزا پایان داد. اما ایالات متحده بلافاصله با بکار گرفتن نیروهای نظامی داخلی جنگی طولانی برضد ساندینیست ها را آغاز کرد که نتیجه آن بیش از ۳۰۰۰۰ کشته بود، و زمانی پایان یافت که در انتخابات سال ۱۹۹۰ مردم در وحشت از حملات بیشتر آمریکا و نیروهای مسلح وابسته به آن، از انتخاب مجدد ساندینیست ها سرباز زدند.

در هفته های پیش از انتخابات رییس جمهوری نیکاراگوئه، تمامی شواهد و آمار نشان دهنده پیروزی مسلم اورتگا در انتخابات این کشور بود . طبق منابع خبری گوناگون، اورتگا با بیش از ۱۰ درصد اختلاف نسبت به رییس جمهوری کشور، شانس اول پیروزی بود. حتی بسیاری از نشریات غربی، روز قبل از انتخابات، پیروزی پیش هنگام اورتگا را اعلام کردند، اما در روز انتخابات و پس از شمارش بخشی از آرا اعلام شد که انریکو بولانوس، از حزب لیبرال کشور، با به دست آوردن ۵۵ درصد آرا بر اورتگا که ۴۵ درصد آرا را به دست آورده است پیروز شده است. بولانوس، جانشین آرنولدو آلمان، رییس

دانیل اورتگا، رهبر جبهه ساندینیست های نیکاراگوئه، ایالات متحده را به قلب در انتخابات این کشور محکوم کرد و گفت که، آمریکا با دخالت در این انتخابات از پیروزی وی ممانعت کرده است .

در این بیانیه، ضمن محکوم کردن واقعه ۱۱ سپتامبر و گرامیداشت قربانیان آن، آمده است که به این جنگ بلادرنگ باید پایان داده شود تا از کشتار افراد بیگناه بیشتری جلوگیری شود.

در عین حال، وزیر دفاع ایتالیا، آنتونیو مارتینو، به مجلس این کشور گفت که، ایتالیا قرار است تا ۲۷۰۰ نفر نیروهای ویژه خود را، از جمله نیروی دریایی، هوایی و زمینی، به نیروهای نظامی آمریکا در «مبارزه با تروریسم» ملحق کند.

اواضافه کرد که، این نیروها تحت نظارت و دستور کامل ارتش آمریکا عمل خواهند کرد و بیشتر برای کارهای دفاعی به کار گرفته خواهند شد.

این گروه، طی بیانیه بی که به ابتکار فوتبالیست ایتالیایی دامیانو توماسی تهیه شده بود و در نشریات ایتالیایی به چاپ رسید، خواستار برقراری صلح شدند.

در میان این گروه از ورزشکاران، چهره های معروف فوتبال جهان از جمله بازیکن و کاپیتان تیم آرژانتین، گابریل باتیستوتا و بازیکن ایتالیایی فرانسسکو توتی، نیز وجود دارند. راننده مسابقات اتوموبیل رانی «فورمول ۱» جارتو تولی، آلساندرو دوران مشت زن، دوبرا کومپاگنونی اسکی باز، و جوزفا آیدم قایقران از دیگر ورزشکارانی اند که این سند را امضا کرده اند.

## ستاره های ورزشی، جنگ در افغانستان را محکوم کردند

بیش از ۲۴۰ نفر از ورزشکاران زن و مرد، مستقر در ایتالیا، از جمله بازیکن معروف تیم برزیل و بهترین بازیکن فوتبال جهان، رونالدو، ضمن محکوم کردن حمله به افغانستان، خواستار پایان بخشیدن حمله آمریکا به این کشور شدند.

## مشعل روشنی بخش انقلاب اکبر در قرن ۲۱

هفت نوامبر امسال مصادف با هشتاد و چهارمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی بود، زمانی که کارگران و زحمتکشان روسیه با شعارهای نان، زمین، صلح در اکتبر سال ۱۹۱۷ قدرت را به دست گرفتند.

مردم روسیه در شرایطی سخت و ناهنجار، وظیفه سنگین ایجاد اولین دولت سوسیالیستی در دنیا را در کشوری کثیرالمله، که بسیاری از مناطق آن هنوز در چنگ روابط عقب مانده سرمایه داری و فئودالی گرفتار بودند، به دوش گرفتند. آنها با تلاش فراوان بنیادهای اولین جامعه سوسیالیستی را بنا نهادند، و برغم آنکه این جامعه بر اثر برخی اشتباهات در تدوین سیاست های منطبق بر اصول مارکسیسم، فشارهای همه جانبه بین المللی و نهایتاً دسیسه های مشی عناصر مردد، از راه برگشته وضد انقلاب، از هم فرو پاشید، اثرات عظیمی را در سراسر جهان از خود برجای گذاشت و امروز پس از ۸۴ سال، کارگران سراسر جهان، از این کار سترگ به نیکی یاد می کنند.

گذار از فراماسیون های گوناگون اجتماعی، از برده داری و فئودالیسم به سرمایه داری، و تثبیت سرمایه داری به عنوان فراماسیون غالب در جهان، قرن ها به طول انجامید. سرمایه داری با تولد خود، طبقه کارگر را نیز به وجود آورد. با رشد، ترویج و قدرت گرفتن قدم به قدم سازمان های صنفی کارگران و مسلح شدن طبقه کارگر به سلاح ایدئولوژیک خود در قالب مارکسیسم، دوران گذاری شروع شده است که به لحاظ تاریخی متوقف ناشدنی است. مارکس و انگلس، با درایت تمام و با تحلیل های صحیح از مبارزه طبقاتی، اقتصاد سیاسی نقش مهمی را در تدوین ایدئولوژی طبقه کارگر و ترسیم مشخصه های مسیر بی بازگشت در سمت سوسیالیسم ایفا کردند. در انتهای قرن ۱۹ و شروع قرن بیستم، ولادیمیر ایلیچ لنین، رهبر بلشویک های روسیه، بر پایه مطالعات دقیق، تئوری های مارکس و انگلس را بسط و گسترش داد. او با تأکید بر نقش کلیدی حزب انقلابی، وجود حزب کمونیست با ساختار، سیاست و عملکرد مشخص را ضروری دانسته و رؤس اساسی چه گونگی تشکیل چنین احزابی را ترسیم کرد. لنین در روند رهبری اولین انقلاب سوسیالیستی در جهان نه تنها تئوری های مارکسیستی را متحول ساخت، بلکه با تحلیل صحیح از شرایط و هدایت اصولی مبارزان روسی، مارکسیسم را در عمل در روسیه به مرحله اجرا در آورد.

آموزه های لنین و نتایج کار عظیم تئوریک او در انطباق مارکسیسم با شرایط متحول ابتدای قرن بیستم، و رهنمود های موثر و دایمانه او در هدایت مبارزات کارگران و نهایتاً پیروزی نیروهای انقلابی در روسیه و ایجاد اولین کشور سوسیالیستی، در قالب مارکسیسم-لنینیسم، از انقلاب اکبر تاکنون، ایدئولوژی راه گشای طبقه کارگر در تمام جهان و ابزار موثر مبارزه هدفمند طبقاتی بوده است.

پایه گذاری اولین دولت سوسیالیستی در جهان و دستاورد های آن به مانند ستاره راهنما در سراسر گیتی برای کارگران و زحمتکشان در مبارزه به خاطر نجات از فقر و عقب ماندگی درخشندگی خاصی پیدا کرد و احزاب کمونیستی در بسیاری کشورها در دهه ۲۰ شکل گرفتند. رشد جنبش انقلابی در این دوره و چالشی که نیرو های سوسیالیستی در مقابل دولت های سرمایه داری اروپا ارائه کردند، آینده سرمایه داری را با سؤال جدی رو به رو کرده بود. در دهه ۳۰ اقتصاد سرمایه داری با رکودی عمیق و جدی رو به رو شد که بیکاری های جمعی از نتایج بلا درنگ آن بود. در سراسر اروپا دولت های سرمایه داری با شورش ها طغیان ها و مبارزات جدیدی رو به رو شدند. طبقات حاکم برخی از این کشورها، برای گریز از این بحران، و در وهله

اول نابودی اولین کشور سوسیالیستی و تقسیم مجدد استعماری جهان به سود امپریالیست های آلمان، ایتالیا و ژاپن، به فاشیسم و جنگ رو آوردند. جنگ جهانی دوم در حقیقت توطئه ارتجاعی ترین محافل سرمایه داری و وسیله بی برای نیل به هدف قطع نهال تازه پای سوسیالیسم در روسیه و عقیم کردن جنبش انقلابی پر تلاطم در کشورهای سرمایه داری بود. کمونیست های اروپا در جریان جنگ دوم جهانی، شجاعانه به مبارزه با فاشیسم پرداختند. این مبارزات به همراه نقش قاطع اتحاد شوروی در جنگ، باعث به قدرت رسیدن و حاکمیت کمونیست ها در شرق اروپا شد.

تلاش های اولین دولت سوسیالیستی قابل تحسین و تمجید بود. ایجاد پایه اقتصادی قدرتمند، دست یابی به فضا، پیشرفت های فرهنگی، ایجاد کار برای همه، ایجاد مسکن برای تمامی شهر وندان، تحصیل و درمان رایگان برای همه، خدمات ورزشی و فرهنگی همگانی، یکی از بهترین سیستم های نقل و انتقال عمومی در جهان، از جمله این اقدام ها بود.

باید گفت که این اولین تلاش برای ایجاد یک جامعه سوسیالیستی بود و در شرایطی دشوار و در کشوری با پایه های اقتصادی بسیار ضعیف پا به عرصه گذاشت، و تنها زمانی به شکست انجامید که گروهی عناصر مردد، بی اعتقاد و بعضاً خائن، ضد انقلابی و دل سپرده به دشمن توانستند بر مسند قدرت در حکومت شوروی بنشینند و منافع امپریالیست ها را تأمین کنند. نتایج عملکرد آنها تثبیت مجدد اقتصاد سرمایه داری در جمهوری های سابق شوروی و تغییر ماهوی موازنه نیروها در جهان به نفع امپریالیسم بود. اما نتایج مخرب آن و مصائب پس از فرو پاشی تنها دامن مردم کشورهای سوسیالیستی سابق را در نگرفت، بلکه سراسر دنیا را در خود فرو برد.

در یک دهه گذشته، و از زمان فروپاشی سوسیالیسم در مهد انقلاب اکبر، هر کشوری که خواستار استقلال خود شده و یا شرایط ایالات متحده را نپذیرفته، تحت تحریم های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و یا آماج بمباران های ناتو قرار گرفته است. اما محافل حاکمه کشورهای سرمایه داری با مخالفت های روز افزونی مواجه هستند که در سراسر جهان روبه گسترش است. تظاهرات برضد جهانی شدن و جنگ، طیف گسترده و بزرگی از نیروهای سیاسی و اجتماعی را گرد هم آورده است، و در بخش های صنعتی و مبارزات سیاسی برضد سرمایه، سندیکاهای کارگری شعار مارکس و انگلس: « کارگران همه کشورها متحد شوید » را سرلوحه شعارهای خود قرار داده اند.

با اتحاد نیروهای مترقی و جنبش ها و حرکت های بین المللی و منطقه ای، مردم می توانند به مبارزه با امپریالیسم بپردازند و تقویت این حرکت ها وظیفه تمامی نیروهای مترقی به خاطر آزادی، صلح، امنیت، عدالت اجتماعی و پیشرفت در جهان آینده است.

### کمک های مالی رسیده

رفیقی از اتاوا، کانادا به مناسبت ۶۰-مین سالگرد حزب ۵۰۰ دلار  
جمع آوری شده در جشن حزب در تورنتو ۵۰۰ دلار  
ابراهیم ۵۰ مارک

آدرس ها: لفظاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3. <http://www.tudehpartyiran.org>  
4. E-mail:mardom@tudehpartyiran.org

**Nameh Mardom-NO 622**  
**Central Organ of the Tudeh Party of Iran**

20 November 2001

شماره فاکس و  
تلفن پیام گیر ما  
۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

### حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام  
790020580 شماره حساب  
10050000 کد بانک  
Berliner Sparkasse بانک